

ارزیابی آثار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی تداوم اجرای بومی‌گزینی دانشجویان در آموزش عالی از منظر صاحب‌نظران آموزش عالی (کارشناسان و معاونان دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم و وزارت بهداشت)^۱

مهران سهراب‌زاده*

کیانوش محمدی روزبهانی**

سید سعید حسینی‌زاده***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی آثار اجتماعی- فرهنگی و سیاسی تداوم اجرای بومی‌گزینی از منظر مدیران و صاحب‌نظران آموزش عالی شامل کارشناسان حوزه‌های ستادی آموزش عالی، معاونان آموزشی و دانشجویی- فرهنگی دانشگاه‌ها اعم از دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجرا شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی بوده و جامعه آماری آن شامل خبرگان صاحب‌نظر در امور آموزشی بود که ۷۹ تن از آنها به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. روایی پرسشنامه به روش محتوایی (CVR) و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ ارزیابی شد. داده‌ها به وسیله نرم‌افزار تحلیل داده‌های کمی (spss) و آزمون‌های تحلیل واریانس و تفاوت میانگین دوگروهه تحلیل شده است. بدین لحاظ، یافته‌های این پژوهش در بعد توصیفی نشان دادند که از میان کل پاسخگویان (۷۹ نفر)، حدود ۳۴ درصد با سیاست بومی‌گزینی، موافق و ۶۶ درصد با این سیاست یا روش مخالف هستند. پاسخگویانی که در سازمان‌های وزارت علوم، سمت مسئول یا کارشناس داشتند، هیچ یک موافق با سیاست بومی‌گزینی نبودند. همچنین ۴۳ درصد از پاسخگویان در دانشگاه‌های وزارت علوم، مخالف طرح بومی‌گزینی دانشجویان بودند. ۵۹ درصد از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی موافق شیوه بومی‌گزینی بودند. برای اطمینان از واقعی بودن نسبت‌های مذکور، آزمون خی‌دو میان دو متغیر نگرش به بومی‌گزینی وابستگی سازمانی انجام گرفت که مقدار این آزمون (۱۳/۴۳) در سطح ۹۵ درصد اطمینان نتایج به‌دست‌آمده را تأیید کرد. از مهم‌ترین پیشنهادها این پژوهش، تأسیس قطب‌های دانشگاهی در شهرهای بزرگ و تمرکزبخشی به رشته‌های دانشگاهی به‌منظور ایجاد برخی شهرهای دانشگاهی است.

واژگان کلیدی: بومی‌گزینی، همبستگی ملی، عدالت آموزشی، عدالت رفاهی، عدالت اجتماعی، تأمین اخلاقی و مصون‌سازی فرهنگی

^۱ مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «ارزیابی آثار اجتماعی- فرهنگی و سیاسی تداوم اجرای بومی‌گزینی دانشجویان در آموزش عالی ایران» است که به سفارش سازمان سنجش آموزش کشور در سال ۱۳۹۴ اجرا شده است.

* دانشیار دانشگاه دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول: Ms3102002@yahoo.com)

** استادیار سازمان سنجش آموزش کشور

*** دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان

مقدمه

در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، تمایل به آموزش و به‌ویژه آموزش عالی دیده می‌شود. توسعه کشورهای جهان تا حدود زیادی منوط به توسعه انسانی و توسعه انسانی نیز در گرو توسعه آموزش‌های ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی است. نتایج پژوهش‌های متعدد در سطوح ملی و جهانی نشان می‌دهند که در سه سطح سرمایه‌های مالی، کالبدی و نیروی انسانی، ضرایب تأثیرپذیری رشد و توسعه جوامع مورد مطالعه تا حدود زیادی تحت تأثیر عامل نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری کشورهای پیشرفته در این خصوص بوده است. به عبارتی، سرمایه‌گذاری در زمینه تأمین نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده، رشد سرمایه‌های مادی و فیزیکی را نیز در بر خواهد داشت. این رویکرد باعث شده است که آموزش عالی به‌عنوان نقطه‌ای کانونی که پیشرفت جوامع را در سایر زمینه‌ها نیز تضمین می‌کند توجه بسیاری را به خود جلب کند. از این‌رو، کشورها بر آن شدند تا نظام آموزش عالی خود را تا سرحد توان گسترش دهند (روشن، ۱۳۸۷) و از آنجایی که دانشگاه‌ها مهم‌ترین مراکز تولید دانش و دانشمندان به شمار می‌آیند، هر برنامه‌ای برای توسعه علمی قاعدتاً باید یکی از محورهای اصلی خود را توسعه این نظام‌ها قرار دهد. تأثیر این نظام‌ها چه از لحاظ محتوای برنامه آموزشی و پژوهشی و چه از لحاظ زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی حاکم بر محیط‌های دانشگاهی می‌تواند تا سال‌ها پس از تحصیلات عالی به رغم هر مقام و موقعیتی که این افراد در جامعه داشته باشند، همچنان در نزد دانش‌آموختگان باقی مانده و حتی برای آنها به یک شیوه زندگی و یک روش فکری تبدیل شود (فکوهی، ۱۳۸۵). بنابراین، ساختارهای آموزشی و آموزش عالی کشورها نقشی بی‌بدیل در توسعه درون‌زای کشور و استقلال علمی و فنی آن ایفا می‌کنند و سیاست‌های راهبردی و عملیاتی مطرح در این ساختارها تأثیرات مهمی بر بدنه آموزش و پژوهش ملت‌ها خواهند داشت. از جمله همین سیاست‌ها گزینش دانش‌آموزان به شیوه بومی است که در چند سال اخیر مبنای پذیرش دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور قرار گرفته است. در سیاست بومی‌گزینی که به‌صورت استانی، ناحیه‌ای، قطبی و گزینش به‌صورت کشوری (بدون بومی‌گزینی) اجرایی شده است، دانشجویان مربوط به هر منطقه فقط در دانشگاه‌های منطقه و بوم خود برای تحصیل پذیرفته می‌شوند (بذرافشان مقدم، مهدوی شکیب و خجسته بوجار، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

ایده اولیه‌ی گزینش بومی در چهارمین جلسه کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی آزمون سراسری سال ۱۳۶۶ مطرح شد و سپس در سال ۱۳۶۸ مورد بازبینی قرار گرفت. در نهایت، در سال ۱۳۶۹ در جلسه ۲۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۶۹/۲/۱۱ طرح پیشنهادی کمیته مطالعه و برنامه‌ریزی کنکور به تصویب رسید. با به تصویب رسیدن طرح گزینش بومی در شورای عالی انقلاب فرهنگی این طرح به‌عنوان یک سند بالادستی مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این طرح که هم‌اکنون اجرا می‌شود، برخی رشته‌ها دارای گزینش، بومی محلی، بومی ناحیه‌ای، بومی استانی، بومی قطبی و کشوری هستند. آن دسته از رشته‌هایی که در تمامی مؤسسات آموزش عالی واقع در یک استان وجود دارد، رشته‌های «بومی استانی» هستند. آن دسته از رشته‌هایی که در یک استان نیست بلکه در چند استان هم‌جوار وجود دارد، رشته‌های «بومی ناحیه‌ای» تلقی می‌شوند که در حال حاضر ۹ ناحیه تعریف شده است. چنانچه در ۹ ناحیه همه رشته‌ها وجود نداشته باشد قاعدتاً داوطلب به پنج قطب آموزشی «بومی قطبی» مراجعه می‌کند. برخی رشته‌ها نیز در هیچ‌کدام از این ناحیه‌ها، قطب‌ها و استان‌ها وجود ندارد و ممکن است در کل کشور در یک دانشگاه یا دو دانشگاه یک استان یا دو استان وجود داشته باشد این‌گونه رشته‌ها به‌صورت «کشوری» است. با اجرای این سیاست آموزشی، ۸۰ درصد ظرفیت هر رشته در استان به داوطلبان بومی همان استان پس از کسر سهمیه‌های قانونی اختصاص می‌یابد. این وضعیت همچنین در بومی ناحیه‌ای و بومی قطبی نیز غیر از ۱۳ رشته پرتعداد برقرار است و ۸۰ درصد ظرفیت رشته‌ها به داوطلبان همان مناطق اختصاص دارد (توکلی، ۱۳۹۱). این مسئله سبب شده است که موضوع بومی‌گزینی در نظام‌های آموزشی متمرکز با انتقادهای جدی مواجه شده و موافقان و مخالفان زیادی را به خود جلب کند (پرند، یادگارزاده و خدایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). استدلال طرفداران طرح بومی‌گزینی بر اساس این گزاره است که اجرای طرح موجب کاهش مشکلات، دغدغه‌ها و نگرانی خانواده دانشجویان و کاهش مشکلات دور بودن از خانواده و کنترل فرزندان به‌ویژه در مورد دختران دانشجو و جلوگیری از مهاجرت نخبگان محلی می‌شود. برخی دیگر، هدف اصلی از اجرای طرح بومی‌گزینی را تمرکززدایی می‌دانند و بر این باوراند که هر سال دانشگاه‌های تهران بیشترین داوطلبان باهوش را جذب می‌کنند در صورتی که این افراد می‌توانند در خدمت هدف‌های منطقه خود باشند و این سیاست از حرکت پیرامون به مرکز تا حدی جلوگیری می‌کند. بسیاری از داوطلبانی که از پیرامون مهاجرت می‌کنند، حاضر به

بازگشت نیستند و در پایتخت ماندگار می‌شوند، در نتیجه توزیع افراد تحصیل کرده در سراسر کشور متوازن نخواهد بود (سهراب‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۹). در مقابل، مخالفان اجرای طرح بومی‌گزینی بر ایجاد فاصله علمی و آموزشی میان مرکز و پیرامون، کاهش عدالت آموزشی و ایجاد محرومیت آموزشی برای استعداد‌های برتری که می‌خواهند در دانشگاه‌های برتر ادامه تحصیل دهند، محرومیت دانشجویان نخبه از تجربه تحصیل در دانشگاه‌های بزرگ، زیان رساندن به وحدت و انسجام ملی و رشد حرکت‌های واگرایانه به‌ویژه در استان‌های مرزی، جلوگیری از فرصت خودسازی و رشد استقلال فردی دانشجوی، کم‌توجهی به تعاملات فرهنگی بین دانشجویان مناطق مختلف کشور که باعث رشد فرهنگی و تعلق ملی دانشجوی می‌شود، تأکید دارند و معتقدند که این شیوه باعث رواج و گسترش زبان‌های محلی و انزوای زبان ملی (فارسی) در دانشگاه‌های استان‌های مرزی شده است (همان، ص ۹-۱۰). از این‌رو، بررسی ابعاد مختلف طرح بومی‌گزینی و تبیین نقاط قوت و ضعف آن از دید کارشناسان آموزش کشور و نه صرفاً از دید متولیان این طرح، نقش بسیار مهمی در پیشبرد یا توقف پیامدهای خوشایند و ناخوشایند آن خواهد داشت. مسئله پژوهش حاضر در این نکته خلاصه می‌شود که ارزیابی و نقد و نظر کارشناسان مطلع در حوزه‌های آموزش عالی و آموزش پزشکی از شیوه فعلی گزینش دانشجوی که بر اساس مدل بومی‌گزینی اعمال می‌شود، چیست و چه مزایا و معایبی بر آن مترتب می‌داند. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه؛

* چه تفاوت‌هایی در نگرش کارشناسان و معاونان دانشگاه‌های تابعه وزارت علوم و وزارت بهداشت درباره آثار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تداوم اجرای سیاست بومی‌گزینی دانشجویان در آموزش عالی وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هانتینگتون (۱۹۸۷) با بررسی نظریه‌های توسعه به سه فرضیه اساسی اشاره کرده است: الف- فرضیه همسازی میان هدف‌ها (رشد هم‌زمان طولی و عرضی هدف‌ها در جامعه)؛ ب- نظریه‌های هم‌ستیزی (وجود تعارض میان هدف‌هایی مثل رشد و عدالت یا رشد و آزادی)؛ ج- نظریه تلفیقی (انتخاب هدف‌ها و خط‌مشی‌های تلفیقی و اولویت‌دار). در هر سه فرضیه، مسائلی مانند تعارض رشد و عدالت، تعارض میان برابری (فرصت‌ها و دستاوردها) و آزادی، تعارض عدالت اجتماعی و آزادی وجود

دارد (مهرعلیزاده، رجیبی معماری و الهام‌پور، ۱۳۹۱). از این‌رو، از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت آموزشی و اجتماعی، تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است و همه آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار شوند. یکی از شاخص‌های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره‌مندی از آن است. بنابراین، کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، در پی ایجاد فرصت‌های برابر دسترسی همگان به آموزش و پرورش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱؛ به نقل از بذرافشان مقدم، ۱۳۹۳، ص ۸۴). برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی را می‌توان از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرد. از یک‌سو، می‌توان به آنها به‌عنوان هدف یا وسیله‌ای در جهت تحقق هدف‌های بلندمدت برابری اجتماعی توجه کرد. در مفهوم لیبرال کلاسیک، برابری یعنی افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، منشأ اجتماعی و ملی، در حقوق برابر و آزاد هستند. در این مفهوم، برابری در آموزش یعنی افراد باید در شروع زندگی کاری و آموزش برابر باشند. از سوی دیگر، در یک نگرش سوسیالیستی، آموزش به‌عنوان وسیله اصلی برابری تفاوت‌های اجتماعی دیده می‌شود. برابری فرصت‌های آموزشی، هنگامی محقق می‌شود که همه افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند (بابادی عکاشه، شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۹).

توسعه آموزش بدون توجه به فرصت‌های برابر به مشکلات بسیاری مانند افزایش مهاجرت از مناطق محروم به سوی شهرها و مناطق دارای امکانات تحصیلی و در نتیجه، افزایش مشکلات ناشی از مهاجرت در مناطق شهری به‌ویژه کلان‌شهرها منجر می‌شود. همچنین برنامه‌ریزی برای آموزش عالی در سطح ملی بدون توجه به فرصت‌های آموزشی برای زنان و مردان قومیت‌های مختلف، امکانات موجود در مناطق و فراگیر نشدن آموزش در تمام سطوح جامعه، موجب افزایش مشکلات جامعه و از جمله خودکفا نشدن استان‌ها در تربیت نیروی انسانی متخصص می‌شود (مسعودی و جوادی، ۱۳۸۲). به نظر می‌رسد، سیاست بومی‌گزینی به شیوه فعلی (از سال ۱۳۸۷) اگرچه به پذیرش دانش‌آموزان بیشتری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نسبت به سال‌های گذشته و دسترسی به آموزش عالی در مناطق مختلف کشور برای داوطلبان منجر شد اما به دلیل محرومیت بیشتر استان‌ها و امکانات اندک دانشگاه‌های شهرستان‌ها، نوعی نابرابری را برای استعدادهای مناطق محروم در پی داشته است. بنابراین، اجرای طرح بومی‌گزینی به شیوه کنونی، هنگامی مفید خواهد

بود که فرصت برابر و دسترسی به امکانات آموزشی، پژوهشی و رفاهی در سایر مناطق برای دانشجویان فراهم باشد (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). در این خصوص، می‌توان به پژوهش بذرافشان مقدم و همکاران (۱۳۹۳) اشاره داشت که با روش توصیفی، دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان را درباره اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها بررسی کردند. آنها دریافتند که دانشجویان نسبت در خصوص تحقق هدف‌های بومی‌گزینی در ابعاد عاطفی، اقتصادی و فرهنگی در مقایسه با بعد آموزشی توافق بیشتری داشته‌اند؛ ضمن آنکه، کارشناسان دانشگاه سیستان و بلوچستان، فردوسی مشهد و شیراز در مقایسه با کارشناسان دانشگاه‌های خوارزمی، صنعتی اصفهان و بوعلی سیناای همدان رضایت کمتری از اجرای طرح داشته‌اند. نتایج پژوهش مهرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که طرح بومی‌گزینی دانشجو با توجه به اینکه امکانات آموزشی در سراسر کشور با تهران و دانشگاه‌های بزرگ فاصله معنی‌داری دارد، بر خلاف عدالت آموزشی است و این مطلب سبب کاهش سطح عملی دانشگاه‌ها و آموزش عالی می‌شود. هدف‌های طرح مورد نظر یعنی توسعه کمی و متوازن آموزش و به تبع آن رشد همگون کشور مورد انتقاد قرار گرفته است.

در این میان، بومی‌گزینی دانشجو از منظر تأثیر شرایط اجتماعی در حوزه تأمین همبستگی ملی نیز اهمیت می‌یابد. بر این اساس دو الگوی یکسان‌سازی و تنوع‌گرایی مطرح می‌شود؛ الگوی یکسان‌سازی یا همانندسازی که مشابه‌گرینش و جذب دانشجویان بومی در دانشگاه‌هاست به افزایش یکسان‌سازی محیط دانشگاه‌ها منجر می‌شود. در الگوی همانندسازی، یک محیط بدون تفاوت قومی به وجود می‌آید. در این صورت، اختلافات فرهنگی - ساختاری کاهش می‌یابد و جامعه‌ای همگن و یکنواخت حاصل می‌شود. همانندسازی در یک جامعه طی چندین مرحله اعم از همانندسازی فرهنگی، ساختاری، مادی، هویتی، بینشی و مدنی ایجاد می‌شود (مقصودی، ۱۳۸۰). در این الگو، تنوع محصول دانشجو و دانش‌آموخته به حداقل خود می‌رسد. در این محیط به دلیل کاهش اتلاف و هدررفت انرژی، سرانه تولید خالص و راندمان افزایش می‌یابد اما علی‌رغم بالا بودن تولیدی خاص و راندمان، سیستم از پایداری کمی برخوردار است و به علت یکسان بودن محصولات و نبود تنوع، سیستم یا محیط در مقابل عوامل تخریب و مزاحم، شکننده و غیرقابل انعطاف می‌شود. در الگوی تنوع‌گرایی قومی، قومیت جای خود را به قومیت‌ها بخشیده و محیط یا

جامعه‌ای با چندین سطح و لایه به وجود می‌آید، ارتباطات سیستم پیچیده شده و افزایش می‌یابد، رقابت بین قومیت‌ها و گروه‌ها افزایش می‌یابد، تبادل اطلاعات و ارتباطات به حداکثر خود می‌رسد و تنوع محصولات (دانشجویان و دانش‌آموختگان) بیشتر می‌شود اما به دلیل افزایش انرژی نگهداشت، تولید خالص کاهش یافته و راندمان نیز کاهش می‌یابد و در مقابل، سیستم به پایداری و انعطاف نزدیک می‌شود. الگوی وحدت در عین کثرت، تلفیقی از الگوی یکسان‌سازی و تنوع‌گرایی و ارتقای آن دو است. در پرتو وحدت، یکپارچگی، تعاون و اعتماد متقابل سرمایه عظیم اجتماعی شکل می‌گیرد. در الگوی وحدت در کثرت، امکان قیاس قومیت‌ها و گروه‌ها فراهم شده و عوامل مخرب و مزاحم شناسایی می‌شود، این در حالی است که یک قومیت به‌تنهایی قادر به انجام چنین کاری نیست (همان). بنابراین، توسعه و نوع قومیت‌ها در دانشگاه‌ها بدون توجه به هویت واحد و محوریت واحد نیز مشکلاتی از قبیل اختلاف در سطوح و لایه‌های جامعه را در پی خواهد داشت. برای جلوگیری از بروز مسائل و مشکلات و پیامدهای ناگوار این الگوها، توسعه الگوی وحدت در کثرت، اهمیت زیادی یافته و در دانشگاه به دلیل افزایش رقابت بین گروه‌ها، تنوع توانایی‌ها و به‌کارگیری همه زمینه‌ها موجب پیشرفت علمی شده و در نتیجه، توسعه و پیشرفت جامعه را در پی خواهد داشت. در این زمینه، پژوهش صالحی عمران و عالی‌شوندی (۱۳۸۸) از معدود پژوهش‌هایی است که در آن از دو گروه مدیران آموزش عالی در وزارت علوم و دانشجویان چهار دانشگاه الزهراء، شیراز، هرمزگان و مازندران درباره بومی‌گزینی دانشجو، نظرخواهی شده است. از منظر متقاضیان آموزش (دانشجویان) و عرضه‌کنندگان (مدیران آموزش عالی)، پذیرش دانشجویان بومی مانعی برای تبادل فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست و موجب شناخت کمتر اقوام از یکدیگر می‌شود که این امر به انسجام و همبستگی ملی خدشه وارد می‌کند. به این مسئله در پنل ۱۵ آینده‌پژوهی سیاست بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو و آینده آن نیز تأکید شده و کاهش پذیرندگی چندفرهنگی و تعاملات فرهنگی بین دانشجویان مناطق و اقوام مختلف از پیامدهای این سیاست ذکر شده است (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۹۵).

رویکرد دیگری که می‌توان در حوزه بومی‌گزینی دانشجو بدان اشاره داشت، مبتنی بر مؤلفه تأمین اخلاقی و مصون‌سازی فرهنگی است. در قالب این رویکرد، حامیان دیدگاه نظارت خانواده (حاجیان مقدم، صالحی امیری و غفاری، ۱۳۹۶)

معتقدند نقش نهادهای کنترلی و نظارت‌گری چون خانواده سپر مقاومتی تلقی می‌شود در برابر سوءاستفاده از آزادی‌هایی که می‌تواند دانشجو را تهدید کند. به عبارتی، حضور خانواده در جوار محل تحصیل دانشجو هم از حیث حمایت عاطفی و اخلاقی از دانشجو و هم از بعد روانی و ممانعت از آسیب‌های روانی مهم تلقی می‌شود. مطالعات شجاع‌نوری و شکری (۱۳۹۰) نشان داد که مشکلات رفاهی، تحصیلی و آسیب‌های خانوادگی در میان دانشجویان غیربومی بیشتر است. طراحان طرح با نگاه مبتنی بر فرصت و رشد به این موضوع اشاره می‌کنند که جدا شدن دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دختر از خانواده و محل سکونتشان مشکلات اجتماعی بی‌شماری را ایجاد می‌کند. منتقدان این طرح معتقدند قطعاً جدا شدن دختران یا پسران از خانواده و رفتن به‌جایی دیگر می‌تواند آسیب‌زا باشد و در آن تردیدی وجود ندارد اما نمی‌توان مدرنیته‌ای داشت که در آن تحرک اجتماعی افراد کنترل شود. بومی‌گزینی دانشجو از منظر تأمین عدالت رفاهی (رفاه اقتصادی) نیز اهمیت زیادی دارد؛ یکی از دلایل تصویب و اجرای قانون بومی‌گزینی دانشجو این بود که دانش‌آموزان در استان و منطقه خود تحصیل کنند و رنج دوری از خانواده و فاصله راه و هزینه‌های تحصیل را نداشته باشند و تنها دغدغه آنها تحصیل باشد. بنابراین، در شرایطی که کمبود یا نامناسب بودن خوابگاه‌های دانشجویی و امکانات رفاهی دانشگاه‌ها به افت تحصیلی منجر می‌شود، بومی‌گزینی دانشجو بهترین راه‌حل به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، هزینه‌هایی که در این خصوص به خانواده‌ها تحمیل می‌شود شامل هزینه‌های رفت‌وآمد میان شهر محل تحصیل و محل سکونت دانشجو، خورد و خوراک دانشجو، خوابگاه دانشجویی یا سکونت‌گاه‌های استیجاری، هزینه‌های تفریحی و مانند آن نیز می‌توانست توجیه‌کننده اجرای شیوه بومی‌گزینی باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های بذرافشارن و همکاران (۱۳۹۳) و جمالی و باقی یزدل (۱۳۹۵) همسویی دارد که طی پژوهش‌های خود نشان دادند بومی‌گزینی دانشجو موجب کاهش مسائل اقتصادی و معیشتی دانشجویان، دانشگاه‌ها و خانواده‌ها می‌شود. به‌طور کلی، ارزیابی مبانی نظری و پیشینه پژوهش در حوزه بومی‌گزینی دانشجو در رابطه با این پژوهش، موارد زیر را نشان می‌دهد:

۱. از دیدگاه متقاضیان آموزش (دانشجویان) و عرضه‌کنندگان (مدیران آموزش عالی)، پذیرش دانشجویان بومی، از تبادل فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها جلوگیری

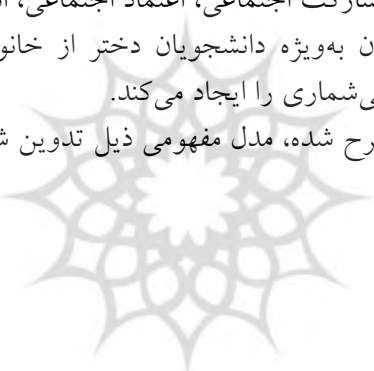
می‌کند و موجب شناخت کمتر اقوام از یکدیگر می‌شود که این امر به انسجام و همبستگی ملی خدشه وارد می‌کند.

۲. اجرای این شیوه اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است سبب پیشگیری فرار مغزها از مناطق شود ولی در بلندمدت، افت علمی و منطقه‌ای همچنان ادامه خواهد یافت. همچنین، تعادل نسبت عرضه و تقاضای دانشجو نیز به هم می‌خورد.

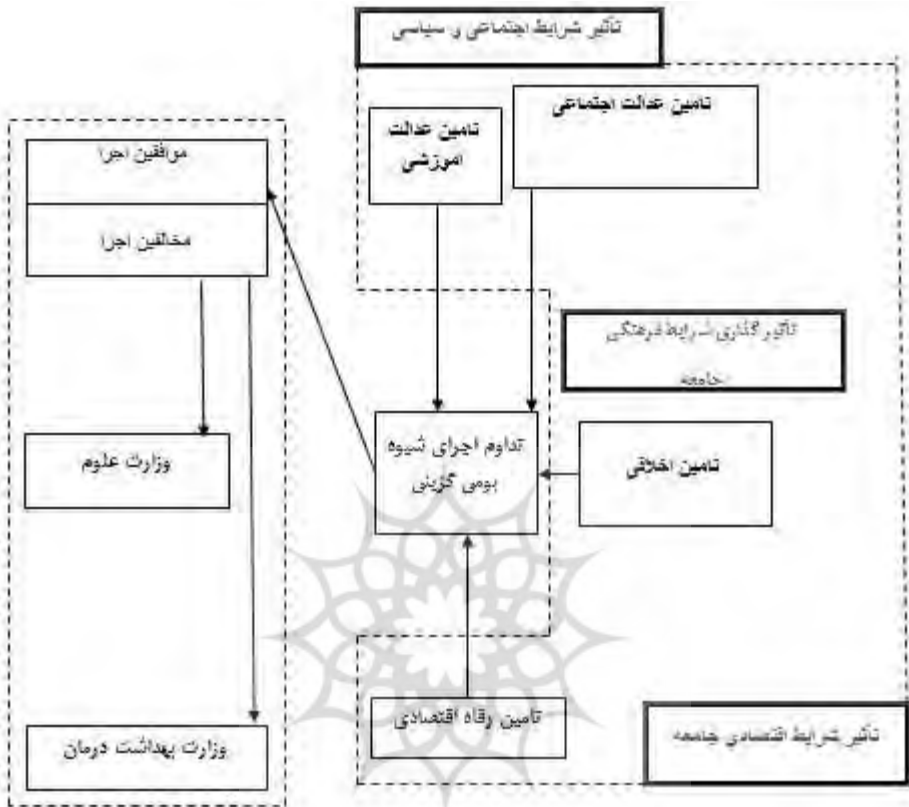
۳. این شیوه به بروز آسیب‌هایی مانند رعایت نشدن عدالت آموزشی و اجتماعی منجر می‌شود؛ در نظر نگرفتن استعدادها، افراد و محصور شدن دانشجویان در فضای تنگ بومی و بی‌توجهی این طرح به چهار مقوله اصلی سرمایه اجتماعی (عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی)

۴. جدایی دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دختر از خانواده و محل سکونتشان مشکلات اجتماعی بی‌شماری را ایجاد می‌کند.

بر مبنای مباحث مطرح شده، مدل مفهومی ذیل تدوین شده است:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۱) مدل مفهومی ارزیابی آثار تداوم اجرای بومی‌گزینی دانشجویان از دیدگاه صاحب‌نظران آموزش عالی

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، پیمایشی و جامعه آماری آن شامل خبرگان صاحب‌نظر در امور آموزشی دستگاه‌های مرتبط، اعم از کارشناسان حوزه‌های ستادی آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) و معاونان آموزشی، دانشجویی و فرهنگی در دانشگاه‌های وابسته به دو وزارتخانه ذی‌ربط است. انتخاب این دسته از دانشگاه‌ها با توجه به سطح‌بندی دانشگاهی و مناطق حوزه بومی‌گزینی دانشجویان در سراسر کشور بود. همچنین با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند از افرادی که بیشترین فراوانی را با توجه به ویژگی خاص داشته‌اند و همچنین از افرادی که دارای تجربه، مهارت و یا تخصص خاصی بودند،

نمونه‌گیری شد. باتوجه به توضیحات، دانشگاه‌های نمونه‌ای که برای بررسی انتخاب شده‌اند، به شرح ذیل می‌باشند:

جدول (۱) جامعه آماری پژوهش

تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده	دانشگاه‌های وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی		دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری		دانشگاه‌ها
	معاون دانشجویی	معاون آموزشی	معاون دانشجویی	معاون آموزشی	
۶	•	•	•	•	کردستان
۶	•	•	•	•	سیستان
۶	•	•	•	•	زابل
۴	•	•	•	•	تبریز
۵	•	•	•	•	شیراز
۴	•	•	•	•	همدان
۲	•	•	-----	-----	زنجان
۳	-----	-----	•	•	کاشان
۴	•	•	•	•	ارومیه
۲	-----	-----	•	•	امیرکبیر
۴	•	•	•	•	فردوسی مشهد
۶	•	•	•	•	بوشهر
۶	•	•	-----	-----	ایلام
۴	•	•	•	•	شهید بهشتی
۱۷	-----	-----	-----	-----	سازمان سنجش
۷۹					جمع

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های طیف لیکرتی بود که به روش اعتبار صوری، توسط چند تن از استادان متخصص در این زمینه بررسی شد. پرسشنامه اولیه بر مبنای مصاحبه‌ها و مطالعه اسناد مرتبط طراحی شد (پرسشنامه‌ای با ۶۹ گویه) و به‌منظور

محاسبه روایی محتوا^۱ در اختیار ده تن از استادان و افراد صاحب‌نظر قرار گرفت تا با مطالعه آنها، گویه‌های ضروری، گویه‌های مفید ولی غیرضروری یا تکراری و گویه‌های غیرضروری را شناسایی کنند. مقدار پذیرفته شده برای جامعه آماری با تعداد ۱۰ نفر در جدول CVR مقدار ۰,۶ به بالا بود. در این مرحله ۲۲ گویه از پرسشنامه حذف شد. در مرحله بعد، گویه‌ها از حیث رسایی و دقت در جملات دوباره توسط گروه ارزیاب بازبینی شدند. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون آلفای کرونباخ نیز نشان داد که گویه‌ها دارای پایایی در سطح ۰/۸ است و در نتیجه در سطح مطلوبی قرار دارد.

یافته‌های پژوهش

جدول (۲) توزیع فراوانی نگرش پاسخگویان به سیاست بومی‌گزینی بر حسب مؤلفه‌های پنج‌گانه

فراوانی		مؤلفه‌های نگرش به بومی‌گزینی
مخالفتان	موافقان	
۶۴/۶	۳۵/۴	تأمین عدالت آموزشی
۷۸/۵	۲۱/۵	تأمین همبستگی ملی
۶۹/۶	۳۰/۴	تأمین عدالت اجتماعی
۶۱/۸	۳۸/۲	تأمین اخلاقی و مصون‌سازی
۷۲/۲	۲۷/۸	تأمین رفاهی و اقتصادی
۶۶	۳۴	جمع

مؤلفه تأمین عدالت آموزشی، مربوط به سنجش نگرش افراد درباره این موضوع است که سیاست بومی‌گزینی تا چه اندازه عدالت آموزشی را تأمین می‌کند. بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، حدود ۳۵ درصد پاسخگویان از تأثیر مثبت بومی‌گزینی بر تأمین عدالت آموزشی دفاع کرده‌اند، ۲۱ درصد معتقد بودند که روش بومی‌گزینی در تأمین همبستگی ملی نقش دارد، حدود ۳۰ درصد پاسخگویان اذعان داشتند که سیاست بومی‌گزینی به تأمین عدالت اجتماعی توجه دارد و ۳۸ درصد با این نظر موافق بودند.

۱. Content Validity

که سیاست بومی‌گزینی در تأمین اخلاقی و مصون‌سازی فرهنگی نقش دارد. از دیگر ابعاد سیاست بومی‌گزینی، تأثیر این شیوه بر تأمین رفاهی و اقتصادی دانشجویان است؛ در این رابطه تنها ۲۸ درصد معتقد بودند که این سیاست دارای چنین مزایایی است و به نظر ۷۲ درصد از پاسخگویان، بومی‌گزینی تأثیر مثبتی بر وضعیت رفاهی و اقتصادی دانشجویان ندارد. به‌طور کلی، ۳۴ درصد از افراد مورد بررسی با سیاست بومی‌گزینی، موافق و ۶۶ درصد با این سیاست یا روش مخالف بودند.

جدول (۳) نگرش پاسخگویان نسبت به سیاست بومی‌گزینی به تفکیک دانشگاه‌های مورد بررسی

دانشگاه‌های تابع وزارت علوم		دانشگاه‌های تابع وزارت بهداشت		مؤلفه
مخالف بومی‌گزینی دانشجویان	موافق بومی‌گزینی دانشجویان	مخالف بومی‌گزینی دانشجویان	موافق بومی‌گزینی دانشجویان	
۴۱,۸	۱۳,۹	۲۲,۸	۲۱,۵	تأمین عدالت آموزشی
۴۵,۶	۱۰,۱	۳۲,۹	۱۱,۴	تأمین همبستگی ملی
۴۳,۰	۱۲,۷	۲۶,۶	۱۷,۷	تأمین عدالت اجتماعی
۴۱,۸	۱۳,۹	۲۰,۳	۲۴,۱	تأمین اخلاقی و مصون‌سازی فرهنگی
۴۴,۳	۱۱,۴	۲۷,۸	۱۶,۵	تأثیر مثبت اقتصادی
۶۳,۵	۴۰,۷	۳۶,۵	۵۹,۳	جمع

شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که پاسخگویان وابسته به وزارت بهداشت در مقایسه با پاسخگویان وابسته به وزارت علوم در پاسخ‌های خود میزان موافقت بیشتری را با سیاست بومی‌گزینی اعلام کرده‌اند. به عبارتی، درحالی‌که اعضای وابسته به وزارت علوم کمتر اعتقادی به اثرات مثبت سیاست بومی‌گزینی دارند، این میزان در بین اعضای وابسته به وزارت بهداشت بالاتر است. در مجموع، بیشترین مخالفت با شیوه بومی‌گزینی دانشجویان از سوی پاسخگویان وابسته به وزارت علوم (۶۳/۵ درصد) و بیشترین موافقت با شیوه بومی‌گزینی از جانب پاسخگویان مرتبط با وزارت بهداشت (۵۹/۳ درصد) بوده است.

یافته‌های تحلیلی

جدول (۴) آزمون تفاوت میانگین نگرش به بومی‌گزینی بر حسب دو گروه موافقان و مخالفان

سطح معنی‌داری	مقدار آزمون	پاسخگویان		مؤلفه‌های نگرش به بومی‌گزینی
		مخالفان	موافقان	
۰/۰۱	-۷/۳۷	۴۷/۱۳	۳۳/۶۲	عدالت آموزشی
۰/۰۱	-۶/۳۰	۳۴/۴۴	۲۶/۶۶	همبستگی اجتماعی
۰/۰۱	-۷/۰۵	۲۸/۰۹	۱۸/۴۰	عدالت اجتماعی
۰/۰۱	-۷/۴۳	۵۴/۶۷	۳۸/۲	آثار اخلاقی و اجتماعی
۰/۰۱	-۶/۸۷	۲۲/۲۶	۱۵	آثار اقتصادی

بنابر شواهد به دست آمده از آزمون‌های دو، میانگین نمره مخالفان در هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه به‌طور معنی‌داری بالاتر از میانگین موافقان است. در بین گروه موافقان، مقایسه میانگین پاسخگویان در ابعاد مختلف متغیر نگرش به بومی‌گزینی نشان می‌دهد که کمترین تفاوت میانگین مربوط به آثار اقتصادی بومی‌گزینی است که به معنای بیشترین موافقت با این مؤلفه است و بیشترین تفاوت میانگین مربوط به نگرش به آثار اجتماعی و اخلاقی بومی‌گزینی است که به معنای کمترین موافقت پاسخگویان با آثار اخلاقی و اجتماعی مثبت بومی‌گزینی است. در رتبه دوم نیز کمترین موافقت، به متغیر نگرش به آثار بومی‌گزینی بر عدالت آموزشی مربوط می‌شود. می‌توان گفت بیشتر پاسخگویان با این قضیه که بومی‌گزینی آثار اخلاقی و اجتماعی مثبتی در پی دارد، مخالف هستند. همچنین در بین مخالفان، کمترین میانگین به متغیر آثار اقتصادی بومی‌گزینی مربوط می‌شود. بنابراین می‌توان گفت مخالفان سیاست بومی‌گزینی، کمتر با آثار اقتصادی مثبت بومی‌گزینی مخالفت دارند و از نظر آنها سیاست بومی‌گزینی دربردارنده آثار رفاهی و اقتصادی برای جامعه است. مقایسه میانگین نمره‌های گروه مخالفان نشان می‌دهد که پس از متغیر نگرش به آثار اخلاقی و اجتماعی بومی‌گزینی، بالاترین میانگین به متغیر نگرش به عدالت آموزشی اختصاص دارد. بنابراین افراد مخالف، نگران آن هستند که با در پیش گرفتن سیاست بومی‌گزینی، تحقق عدالت آموزشی با خطر مواجه شود.

جدول (۵) آزمون تفاوت میانگین نگرش پاسخگویان به بومی‌گزینی بر حسب سازمان

Sig.	مقدار آزمون	تفاوت میانگین متغیرها بر حسب سازمان پاسخگویان				متغیر نگرش به بومی‌گزینی و هر یک از ابعاد آن
		سایر سازمان‌ها	دانشگاه‌های علوم پزشکی	دانشگاه‌های وزارت علوم	ستاد وزارت علوم	
۰/۰۲۱	۷,۶۲	۱۹۷	۱۵۵/۲	۱۶۳/۸	۱۷۹/۸	نگرش به بومی‌گزینی
۰/۱۶۴	۳,۶۳	۴۸/۵	۴۰/۶۲	۴۳/۱۱	۴۵/۰۶	عدالت آموزشی
۰/۱۷۱	۳,۵۳	۳۳	۳۰/۸۲	۳۱/۵۵	۳۴/۲۶	همبستگی اجتماعی
۰/۰۲۱	۷,۷۶	۳۱/۵	۲۳/۱۱	۲۴/۷۷	۲۷/۸۰	عدالت اجتماعی
۰/۰۰۷	۹,۹۶	۶۳	۴۶/۰۸	۴۸/۷۴	۵۴/۷۳	آثار اخلاقی و اجتماعی
۰/۰۱۵	۸,۴۱	۲۵	۱۸/۵۱	۱۹/۷۴	۲۲/۱۳	آثار اقتصادی بومی‌گزینی

در بررسی فرضیه نگرش افراد به بومی‌گزینی بر حسب سازمانی که پاسخگویان در آن فعالیت دارند، از آزمون کروسکال والیس بهره گرفته شد تا تفاوت میانگین افراد در هر یک از این ابعاد، مورد آزمون قرار گیرد. بهره‌گیری از این آزمون با توجه به ارزیابی وضعیت نرمالیت آنها در آزمون k-S صورت گرفته است. بر این اساس، تفاوت میانگین نمره‌های افراد بر حسب سازمان در دو مؤلفه نگرش به عدالت آموزشی و نگرش به همبستگی ملی یا اجتماعی معنی‌دار نیست به این معنی که پاسخ‌های افراد در مورد نگرش به اثرات بومی‌گزینی بر عدالت آموزشی و همبستگی ملی بر حسب سازمان تفاوت ندارد. به عبارت دیگر، اینکه افراد در چه سازمانی فعالیت داشته باشند، بر نگرش آنها در مورد اثرات بومی‌گزینی بر عدالت آموزشی و همبستگی ملی، تأثیر نمی‌گذارد. در مورد تفاوت میانگین نمره‌های افراد در سه مؤلفه نگرش به آثار بومی‌گزینی بر عدالت اجتماعی، وضعیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی جامعه معنی‌دار است. بدین معنی که درباره سه مؤلفه اشاره شده، تفاوت معنی‌داری براساس سازمان‌های متبوع وجود دارد. تفسیر نمره میانگین هر یک از مؤلفه‌های مذکور بر اساس کدگذاری انجام گرفته، این است که میانگین بالاتر به معنی موافقت کمتر و میانگین پایین‌تر به معنی موافقت بیشتر است. همچنین بیشترین مخالفت با آثار

مثبت بومی‌گزینی بر وضعیت اخلاقی و اجتماعی جامعه از سوی کسانی است که در حوزه‌های ستادی وزارت علوم حضور دارند و بیشترین موافقت در این بعد مربوط به متخصصانی است که در دانشگاه‌های علوم پزشکی فعالیت دارند. در مورد مؤلفه اثر مثبت بومی‌گزینی بر وضعیت رفاهی و اقتصادی جامعه، کسانی که در حوزه‌های ستادی وزارت علوم فعالیت دارند، بازهم بیشترین مخالفت را ابراز کرده‌اند و بیشترین موافقت در مورد این مؤلفه مربوط به افرادی که در دانشگاه‌های علوم پزشکی حضور دارند. بنابراین، بیشترین مخالفت با ابعاد مختلف نگرش به سیاست بومی‌گزینی از سوی کسانی است که در حوزه‌های ستادی و سازمان‌های متبوع وزارت علوم فعالیت دارند، درحالی‌که بیشترین موافقت مربوط به کسانی است که در دانشگاه‌های علوم پزشکی فعالیت دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نگرش افراد مطلع در هر دو بخش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به مزایا و معایب شیوه‌گزینش بومی دانشجویان صورت گرفت تا نقاط قوت و ضعف این سیاست حداقل از منظر استادان و معاونان آموزشی و دانشجویی شناسایی شود و ثانیاً دلایل موافقت و مخالفت با شیوه بومی‌گزینی بررسی شود. در این خصوص، با گردآوری نقطه نظرات کارشناسان و اظهارنظرهایی که درباره مزایا یا معایب این طرح در سطح جامعه رواج داشت، گویه‌های پرسشنامه تدوین شد. در نهایت، ۷۹ تن از صاحب‌نظران به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از مجموع پاسخگویان، ۱۹ درصد شامل حوزه‌ها و سازمان‌های متبوع وزارت علوم، ۳۴/۲ درصد اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های وزارت علوم و ۴۴/۳ درصد اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های وزارت بهداشت می‌شدند.

در این پژوهش، نگرش پاسخگویان به بومی‌گزینی با استفاده از پرسشنامه‌ای دارای ۴۸ گویه بررسی شده است که شامل پنج بعد؛ توجه به تأمین عدالت آموزشی، تأمین همبستگی ملی، تأمین عدالت اجتماعی، تأمین اخلاقی و آسیب‌پذیری فرهنگی و تأمین رفاه اقتصادی است و این ابعاد در نهایت نگرش فرد به شیوه بومی‌گزینی دانشجویان را آشکار می‌سازند. در بعد توصیفی نتایج نشان دادند که از میان کل پاسخگویان (۷۹ نفر)، ۳۴ درصد با سیاست بومی‌گزینی، موافق و ۶۶ درصد مخالف این سیاست هستند. این مسئله در سایر پژوهش‌ها نیز مورد تأیید قرار گرفته و نگرش دانشجویان

و کارشناسان به این سیاست در ابعاد و جنبه‌های مختلف آن متفاوت است، بنابراین نظرات آنها نیز در برخی ابعاد این سیاست کلی منفی و در برخی ابعاد مثبت است (صالحی عمران و عالی شوندی، ۱۳۸۸؛ بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۳؛ مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳۹۵؛ جمالی و باقی یزدل، ۱۳۹۵). همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که اعضای وابسته به وزارت بهداشت میزان موافقت بیشتری با سیاست بومی‌گزینی دارند. یکی از دلایلی که می‌تواند موافقت افراد متعلق به دانشگاه‌های علوم پزشکی با سیاست بومی‌گزینی را تبیین کند، شأن و جایگاه اجتماعی رشته‌های علوم پزشکی است. امروزه، رشته‌های علوم پزشکی همچون پزشکی، دندانپزشکی و حتی رشته‌هایی که در درجه‌بندی در این حوزه در سطح چندان بالایی قرار ندارند، از امتیازات مادی و مطلوبیت اجتماعی بالایی برخوردارند. بنابراین می‌توان گفت رشته‌های مذکور از مطلوبیت کافی برخوردارند و در نزد کسانی که در این رشته‌ها به تحصیل می‌پردازند ابتدا خود رشته تحصیلی و سپس دانشگاه و شهر محل تحصیل اهمیت می‌یابد. در واقع می‌توان گفت در حوزه علوم پزشکی رقابت بیشتر بر سر رشته تحصیلی است و در درجه دوم، شهر محل تحصیل اهمیت دارد، از این رو بیشتر با سیاست بومی‌گزینی موافق هستند. اما در رشته‌های علوم انسانی و فنی و مهندسی وضع به گونه دیگری است؛ افزایش رشته‌های مختلف علوم انسانی و فنی-مهندسی در دانشگاه‌های پیام نور، آزاد اسلامی، علمی-کاربردی و غیرانتفاعی و همچنین پذیرش بدون کنکور در بسیاری از این دانشگاه‌ها به آسان شدن پذیرش و تحصیل در رشته‌های مذکور منجر شده است. حتی بسیاری از رشته‌هایی که بومی‌گزینی در مورد آنها اعمال نمی‌شود مانند حقوق، روان‌شناسی، مهندسی برق یا عمران، بازهم شرایط دسترسی به رشته‌های مذکور از طریق دانشگاه‌های پیام نور یا آزاد اسلامی فراهم شده است. بنابراین رقابت نه بر سر رشته تحصیلی، بلکه رقابت بر سر محل تحصیل است و صرف تحصیل در رشته مهندسی برق یا عمران نشان هوش برتر و افتخار نیست بلکه تحصیل در دانشگاه برتر همچون دانشگاه صنعتی شریف است که مطلوبیت اجتماعی به همراه دارد.

از سوی دیگر، هر دو گروه موافق و مخالف این سیاست، بومی‌گزینی را موجد آثار اخلاقی و اجتماعی مثبت برای جامعه نمی‌دانند و همچنین نگران تحقق عدالت آموزشی در جامعه با اجرای این سیاست هستند اما هر دو گروه با اثرات مثبت بومی‌گزینی بر وضعیت رفاهی، معیشتی و اقتصادی جامعه توافق نظر دارند. در واقع

گرچه در ابتدا تصور می‌شد که بسیاری از پاسخگویان با توجه به آثار اجتماعی مطلوبی که بومی‌گزینی در پی دارد این سیاست را تأیید کنند اما از نظر آنها صرف سیاست بومی‌گزینی به حفظ ارزش‌های سنتی، خانوادگی یا سلامت روانی دانشجویان کمک نمی‌کند در واقع از نظر آنها سیاست بومی‌گزینی در این زمینه نمی‌تواند نقش اصلی را ایفا کند تا با استناد به آن، بومی‌گزینی با همه نتایج و در همه ابعاد در جامعه اعمال شود. همان‌گونه که توزیع پاسخ‌های افراد نیز نشان داد موافقت آنها با مواردی همچون جامعه‌پذیری خانوادگی در حفظ سلامت اخلاقی و روانی دانشجویان بیشتر از موافقت آنها با نقش بومی‌گزینی در این زمینه بود. از سوی دیگر، پاسخگویان با تأثیر مثبت مؤلفه اقتصادی در بومی‌گزینی موافق بودند که این امر می‌تواند با وضعیت اقتصادی کل جامعه مرتبط باشد. البته این نظر ممکن است با افزایش سطح رفاه کلی در جامعه تغییر یابد چراکه در اوضاع اقتصادی جامعه امروز، تحصیل در شهری دور مستلزم هزینه‌های فراوانی است. هزینه تأمین کتاب و ملزومات تحصیلی، شهریه خوابگاه و دانشگاه، هزینه‌های معاش روزانه و رفت‌وآمد و جابجایی‌ها، همگی هزینه‌هایی است که بار مالی فراوانی را به خانواده‌ها تحمیل می‌کند و از این رو پاسخگویان عمدتاً با آن موافق بوده‌اند. در این زمینه، پیشینه پژوهشی موجود نیز مؤید این نتایج است؛ صالحی عمران و عالی شوندی (۱۳۸۸) پذیرش دانشجویان بومی را مانعی برای تبادل فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها دانسته و شناخت کمتر اقوام از یکدیگر را عاملی برای کاهش همبستگی اجتماعی می‌دانند. کاهش پذیرندگی چندفرهنگی و تعامل فرهنگی اقوام، کاهش سطح علمی کلاس و قطع ارتباط نخبگان مناطق محلی با نخبگان دیگر نقاط ایران نیز از جمله پیامدهای اجرای این سیاست در پند کاربرد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی (۱۳۹۵-۱۳۹۶) بود که همسو با این نتایج است. در حوزه مؤلفه اقتصادی نیز نتایج پژوهش‌های بذرافشان مقدم و همکاران (۱۳۹۳)، جمالی و باقی یزدل (۱۳۹۶) و مهرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که اجرای سیاست بومی‌گزینی در کاهش مسائل اقتصادی و معیشتی دانشجویان تأثیراتی دارد. در نهایت، مقایسه یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های موجود تأیید کرد که اعمال این سیاست در حوزه آموزش عالی تأثیر زیادی بر تحقق نیافتن عدالت آموزشی دارد و به رعایت نشدن عدالت در ابعاد آموزشی میان دانشجویان مناطق مختلف کشور منجر می‌شود چراکه دانشجویان در برخی مناطق می‌توانند از دانشگاه‌های مطلوب‌تر و جامع‌تر و با امکانات بیشتر بهره‌مند شوند.

پیشنهاد‌های پژوهش

به‌طور کلی، مخالفان بومی‌گزینی، این سیاست را چندان دارای نتایج مثبت اخلاقی و اجتماعی در جامعه نمی‌بینند و نگران تحقق عدالت آموزشی در جامعه هستند؛ بنابراین، پیشنهاد‌های ذیل در جهت کاهش آسیب‌های این سیاست کلان ارائه می‌شود:

۱. اهمیت دادن به تنوع اقوام و پردیس‌های چندفرهنگی دانشگاه‌ها به‌عنوان شهروندان اجتماعی و مولد به منظور کاهش آثار سیاست بومی‌گزینی بر تبادلات میان‌فرهنگی و کاهش پذیرندگی چندفرهنگی.

۲. سیاست بومی‌گزینی در مورد دانشگاه‌های تراز اول کشور با دقت بیشتری اجرا شود تا توزیع عادلانه‌تری در مورد امکانات مناطق محروم در مسیر جذب نیروهای نخبه و دانشجو صورت بگیرد.

۳. تأمین و تجهیز کمی و کیفی خوابگاه‌های دانشجویی برای اسکان دانشجویان در دانشگاه‌های محل تحصیل: از این طریق اجباری برای بومی‌گزینی و اعمال قواعد ناعادلانه در برخی مناطق وجود نخواهد داشت.

۴. خروج بومی‌گزینی از وضعیت استانی، ناحیه‌ای و قطبی و اعمال نوعی گزینش بومی که بر اساس آن بخش عمده‌ای از ظرفیت‌ها به صورت آزاد در دسترس تمامی اقوام قرار گرفته و زمینه رقابت‌های عادلانه فراهم شود.

۵. تأسیس قطب‌های دانشگاهی در مراکز: سال‌های متمادی شاهد توسعه و گسترش کمی مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها در شهرهای کوچک و بزرگ هستیم. چنین توسعه کمی و گسترش این سیاست در سطح کشور افزون بر اینکه باعث افت علمی دانشگاه‌ها می‌شود، سیاست‌گذاری در دانشگاه‌ها را نیز از کنترل خارج می‌سازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که رشته‌های راه‌اندازی شده در شهرهای کوچک گردآوری شوند و در عوض قطب‌های دانشگاهی در شهرهای بزرگ تأسیس شود. در این صورت، حتی می‌توان شهرهای دانشگاهی داشت.

۶. مخاطبان اصلی سیاست بومی‌گزینی دانشجویان هستند؛ از این‌رو، پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های آینده در جامعه آماری دانشجویان اجرا شود و دیدگاه آنها نیز در این مورد، بررسی شود و نتایج آن در ارتباط با این پژوهش قرار گیرد.

منابع

- بابادی عکاشه، زهرا؛ شریف، سید مصطفی؛ و جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۹). تأمین و گسترش فرصت‌ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۰ (۳۷)، ۲۸۷-۳۰۵.
- بذرافشان مقدم، مجتبی؛ مهدوی شکیب، علی؛ و خجسته بوجار، مریم (۱۳۹۳). بررسی دیدگان مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی. *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، ۴ (۵)، ۸۱-۱۱۳.
- پرند، کورش؛ یادگارزاده، غلامرضا؛ و خدایی، ابراهیم (۱۳۹۱). *انتخاب رشته انتخاب آینده، راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری*. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور.
- توکلی، حسین (۱۳۹۱). *مجموعه اخبار کنکور و دانشگاه - ۱۴ مرداد ۱۳۹۱*، ۲۲:۵۹.
- جمالی، احسان؛ و باقی یزدل، رقیه (۱۳۹۵). چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران. *فصلنامه آموزش عالی ایران*، ۸ (۲)، ۱-۳۰.
- حاجیان مقدم، فاطمه، صالحی امیری، رضا، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۶). طراحی الگوی خانواده مستحکم، موضوع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱ (۱)، ۳۶-۶۸.
- روشن، احمدرضا (۱۳۸۷). تعیین پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های صنعتی کشور بر اساس یک مدل برنامه‌ریزی خطی. *فصلنامه آموزش مهندسی ایران*، ۴۰، ۵۳-۷۹.
- سهراب‌زاده، مهران (۱۳۹۴). *ارزیابی آثار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی تداوم اجرای بومی‌گزینی دانشجویان در آموزش عالی ایران (طرح پژوهشی)*. تهران: سازمان سنجش آموزش کشور، مرکز تحقیقات، ارزشیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی.
- شجاع‌نوری، فروغ‌الصباح؛ و شکری، فرزانه (۱۳۹۲). شناسایی و طبقه‌بندی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیربومی (مطالعه کیفی). *مهندسی فرهنگی*، ۸ (۷۷)، ۱۴۶-۱۶۸.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ و عالی شوندی، اقدس (۱۳۸۸). بررسی سیاست پذیرش دانشجویان بومی از چشم‌انداز همبستگی ملی. *نشریه مطالعات ملی*، ۱۳، ۷-۵۳.

عبدوس، میترا (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران و پسران، خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). نقش زبان و هویت‌های قومی و محلی در توسعه نظام آموزش عالی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۹، ۱۲۷-۱۶۰.

مرشدی، علی (۱۳۹۳). بومی‌گرایی در آموزش عالی، سایت سیاست و جامعه <http://alimorshedizad.blogfa.com>

مسعودی، عصمت؛ و جوادی، منوچهر (۱۳۸۲). تحلیل و دسترسی به فرصت‌های برابر در توسعه آموزش عالی دولتی کشور. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۸-۲۷، ۷۳-۹۵.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران علل و زمینه‌ها. تهران: نشر صاحب کوثر.

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی (۱۳۹۵). آینده‌اندیشی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو و پیامدهای آن: پنل پانزدهم. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی.

مهرعلیزاده، یدالله؛ رجبی معماری، اسماعیل؛ و الهام‌پور، حسین (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی سیاسی بومی‌گزینی (تحلیل محتوای سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های عمومی کشور). مجله آموزش عالی ایران، ۴(۴)، ۱۱۹-۱۵۸.